



نگاهی به ویژگیهای اخلاقی و رفتاری پوروالای امام حسین (ع) / حضرت علی اکبر (ع) علاقه فراوانی به خلوت با خدا داشت

حضرت علی اکبر (ع) علاقه فراوانی به خلوت با خدای خود و پرداختن به راز و نیاز و گفتگو باخالق هستی داشت. در زندگی آسان گیر، ملایم و خوش‌خو بود، به روی کسی خیره نمی شد. بیشتر اوقات بر زمین چشم می دوخت و با بینوایان و فقرا که از نظر ظاهری در جامعه و نگاه دنیاطلبان احترام چشمگیری نداشتند؛ نشست و برخاست می کرد و با آنان همسفر می شد.

حضرت علی اکبر (ع) علاقه فراوانی به خلوت با خدای خود و پرداختن به راز و نیاز و گفتگو باخالق هستی داشت. در زندگی آسان گیر، ملایم و خوش‌خو بود، به روی کسی خیره نمی شد. بیشتر اوقات بر زمین چشم می دوخت و با بینوایان و فقرا که از نظر ظاهری در جامعه و نگاه دنیاطلبان احترام چشمگیری نداشتند؛ نشست و برخاست می کرد و با آنان همسفر می شد. به گزارش خبرگزاری مهر؛ حضرت علی اکبر (ع) بنا به روایتی در یازدهم شعبان، (1) سال 43 قمری در مدینه منوره دیده به جهان گشود. پدر گرامی اش امام حسین بن علی بن ابی طالب (ع) و مادر محترمه اش لیلی بنت ابی مرّه بن عروه بن مسعود ثقفی است. (2) او از طایفه خوش نام و شریف بنی هاشم بود. و به بزرگانی چون پیامبر اسلام (ص)، حضرت فاطمه زهرا (س)، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) و امام حسین (ع) نسبت دارد.

علی که هفت ساله شد، به تمرینهای فکری و آموزشهای دینی پرداخت و با مراقبت‌های صحیح سنجیده پدر بنیانهای اعتقادی در روان او و شیوه های رفتاری در اعمال او رشدی بیشتر یافت. روزی پدر، عبدالرحمان را به آموختن سوره حمد به فرزندش گمارد. وقتی آموزش تمام شد و علی در حضور پدر سوره حمد را قرائت کرد، پدر، هدایای فراوان به عبدالرحمان بخشید. آنگاه به اطرافیان که از این همه بذل و بخشش تعجب کرده بودند، فرمود: «این هدایا توان برابری عطای معلم علی را ندارد که در برابر تعلیم قرآن، همه هدایا ناچیز است».

علی در جوانی با ویژگیهای اخلاقی و رفتاری خود نگاه انبوه جوانان را به سوی خود جلب می کرد. آنچه در این فراز از داستان او گفته می شود، نکته هایی است که بی‌تردید با مطالعه و رد شدن تاثیری بسزا خواهد داشت، از این رو، باید از سر صبر و تامل بیشتر مطالعه و مرور کنیم و به خاطر بسپاریم. علی صفات جدّ خود را می دانست، از این رو، همواره در آینه اخلاق و رفتار او نظر می کرد و خود را بدان صفات می آراست. به هنگام جوانی در میان جمع و با دوستان خود، گشاده رو و شادمان بود؛ ولی در تنهایی اهل تفکر و همراه با حزن بود. علاقه فراوانی به خلوت با خدای خود و پرداختن به راز و نیاز و گفتگو باخالق هستی داشت. در زندگی آسان گیر، ملایم و خوش‌خو بود، به روی کسی خیره نمی شد. بیشتر اوقات بر زمین چشم می دوخت و با بینوایان و فقرا که از نظر ظاهری در جامعه و نگاه دنیاطلبان احترام چشمگیری نداشتند. نشست و برخاست می کرد، با آنان همسفر می شد.

هرگز عیب جویی نمی کرد و از مداحی نابجا و شنیدن چاپلوسی افراد دوری می کرد. تمامی انسانها را بندگان خدا می دانست و از تحقیر آنان خودداری می ورزید. در طول عمر خویش به کسی دشنام نداد و ناسزا نگفت. از دروغ تنفر داشت و صداقت و راستگویی شیوه همیشه او بود. بخشنده بود و آنچه به دست می آورد، به دیگران به ویژه نیازمندان انفاق می کرد. به عیادت بیماران می رفت. برای همسالان برادری مهربان و برای کودکان پدری پرمحبت بود و مسلمانان را مورد لطف و عطاوت خویش قرار می داد. امور دنیوی و اضطراب‌های مادی او را متزلزل نمی ساخت. زندگی علی ساده بود و در آن از تجمل و اسراف اثری دیده نمی شد. آنان که اخلاقی نیکو و فضایی شایسته داشتند، همیشه مورد تکریم و احترام وی بودند و خویشاوندان از صله او بهره مند می شدند. از صبری عظیم برخوردار بود و از هیچ کس توقع و انتظاری نداشت.

در میدان رزم سلحشوری شجاع، نیرومند و پرتوان بود و انبوه دشمن هرگز او را بیمناک نمی ساخت. در اجرای عدالت و دفاع از حق، قاطع و استوار بود. به یاری محرومان و مظلومان می شتافت و در برابر ظالمان می ایستاد. تا حق را به صاحبش بر نمی گردانید، آرام نمی گرفت. به دانش اندوزی و فراگیری معارف اهمیت زیادی می داد و همواره پیروان خود را از جهالت و بی‌خبری باز می داشت. به پاکیزگی و آراستگی علاقه‌ای وافر داشت و این صفت از دوران کودکی در او دیده می شد. از این رو همواره بر تمیزی لباس و بدن اهتمام می ورزید. بسیار فروتن بود و از تکبر نفرت داشت. نه تنها بر انسانها بلکه با حیوانات نیز محبت داشت و با مهربانی و انصاف با آنان رفتار می کرد. آنان که قیافه ظاهری و سیمای به نور نشسته علی را دیده اند، چهره وی را این گونه ترسیم کرده اند:

قیافه اش بسیار با ابهت بود و چون ماه تابان می‌درخشید. به زیبایی و پاکیزگی آراسته بود. چون به طرف کسی بر می گشت با تمام بدن بر می گشت. نگاهش به زمین بود تا به آسمان. (تاریخ یعقوبی، ج 1، ص 513)

... با این ویژگیهای روشنی آفرین به خوبی می توان او را شناخت، وی علی اکبر، پور والای امام حسین (ع) است. جوانی زیبا که همانند جد خود رسول خدا (ص) در سیرت، سپید و در صورت، آسمانی می نمود و همواره یاد و نام پیامبر (ص) از چگونگی سخن گفتن و یا راه رفتن و دیگر برخوردهای اجتماعی و اخلاقی او می تراوید. از این رو، امام حسین (ع) او را شبیه ترین در خلقت و آفرینش، اخلاق و صفات روحی، گفتار و آداب اجتماعی به رسول خدا (ص) معرفی می کرد.

کلام شیرین، بیان روان، ادب بسیار در برابر پدر و مادر، اطاعت بی‌چون و چرا از مقام ولایت و دلدادگی به حقیقت، برگی دیگر از

زندگانی زرین علی اکبر بود. این ویژگیها چون با فروتنی او همراه می شد، نگاه تحسین آمیز همگان را به دنبال داشت. ابوالفرج اصفهانی از مغیره روایت کرد: روزی معاویه بن ابی سفیان به اطرافیان و هم نشینان خود گفت: به نظر شما سزاوارترین و شایسته ترین فرد امت به امر خلافت کیست؟ اطرافیان گفتند: جز تو کسی را سزاوارتر به امر خلافت نمی شناسیم! معاویه گفت: این چنین نیست. بلکه سزاوارترین فرد برای خلافت، علی بن الحسین (ع) است که جدش رسول خدا (ص) می باشد و در وی شجاعت و دلیری بنی هاشم، سخاوت بنی امیه و فخر و فخامت ثقیف تبلور یافته است. (3)

نقل است روزی علی اکبر (ع) به نزد والی مدینه رفته و از طرف پدر بزرگوارشان پیغامی را خطاب به او می برد، در آخر والی مدینه از علی اکبر سوال کرد نام تو چیست؟ فرمود: علی سوال نمود نام برادرت؟ فرمود: علی آن شخص عصبانی شد، و چند بار گفت: علی، علی، علی، « ما یُریدُ اُتوک؟ » پدرت چه می خواهد، همه اش نام فرزندان را علی می گذارد، این پیغام را علی اکبر (ع) نزد اباعبدالله الحسین (ع) برد، ایشان فرمود: والله اگر پروردگار دهها فرزند پسر به من عنایت کند نام همه ی آنها را علی می گذارم و اگر دهها فرزند دختر به من عطا، نماید نام همه ی آنها را نیز فاطمه می گذارم.

درباره شخصیت علی اکبر (ع) گفته شد، که وی جوانی خوش چهره، زیبا، خوش زبان و دلیر بود و از جهت سیرت و خلق و خوی و صباحت رخسار، شبیه ترین مردم به پیامبر اکرم (ص) بود و شجاعت و رزمندگی را از جدش علی ابن ابی طالب (ع) به ارث برده و جامع کمالات، محامد و محاسن بود. (4)

در روایتی به نقل از شیخ جعفر شوشتری در کتاب خصائص الحسینیة آمده است: اباعبدالله الحسین هنگامی که علی اکبر را به میدان می فرستاد، به لشکر خطاب کرد و فرمود:

« یا قوم، هولاء قد برز علیهم غلام، اشیء الناس خلقاً و خلقاً و منطقاً برسول الله..... ای قوم، شما شاهد باشید، پسری را به میدان می فرستم، که شبیه ترین مردم از نظر خلق و خوی و منطق به رسول الله (ص) است بدانید هر زمان ما دلمان برای رسول الله (ص) تنگ می شد نگاه به وجه این پسر می کردیم. بنا به نقل ابوالفرج اصفهانی، آن حضرت در عصر خلافت عثمان بن عفان (سومین خلیفه راشدین) دیده به جهان گشود. (5)

این قول مبتنی بر این است که وی به هنگام شهادت بیست و پنج ساله بود. در برخی روایات هم سن ایشان را 28 ساله ذکر کرده اند، وی در مکتب جدش امام علی بن ابی طالب (ع) و در دامن مهرانگیز پدرش امام حسین (ع) در مدینه و کوفه تربیت و رشد و کمال یافت.

امام حسین (ع) در تربیت وی و آموزش قرآن و معارف اسلامی و اطلاعات سیاسی و اجتماعی به آن جناب تلاش بلیغی به عمل آورد و از وی يك انسان کامل و نمونه ساخت و شگفتی همگان، از جمله دشمنانشان را بر انگیخت.

به هر روی علی اکبر (ع) در ماجرای عاشورا حضور فعال داشت و در تمام حالات در کنار پدرش امام حسین (ع) بود و با دشمنانش به سختی مبارزه می کرد. شیخ جعفر شوشتری در خصائص نقل می کند: هنگامی که اباعبدالله الحسین (ع) در کاروان خود حرکت به سمت کربلا می کرد، حالتی به حضرت (ع) دست داد بنام نومیه و در آن حالت مکاشفه ای برای حضرت (ع) رخ داد، از آن حالت که خارج شد استرجاع کرد: و فرمود: «انا لله و انا الیه راجعون» علی اکبر (ع) در کنار پدر بود، و می دانست امام بیهوده کلامی را به زبان نمی راند، سؤال نمود، پدرجان چرا استرجاع فرمودی؟ حضرت بلادرنگ فرمود: الان دیدم این کاروان می رود به سمت قتلگاه و مرگ درانتظار ماست، علی اکبر (ع) سؤال نمود: پدر جان مگر ما بر حق نیستیم؟ حضرت فرمود: آری ما بر حق هستیم. علی اکبر (ع) عرضه داشت: پس از مرگ باکی نداریم،

گفتنی است، با این که حضرت علی اکبر (ع) به سه طایفه معروف عرب پیوند و خویشاوندی داشته است، با این حال در روز عاشورا و به هنگام نبرد با سپاهیان یزید، هیچ اشاره ای به انتسابش به بنی امیه و ثقیف نکرد، بلکه هاشمی بدون و انتساب به اهل بیت (ع) را افتخار خویش دانست و در رجزی چنین سرود:

أنا علی بن الحسین بن علی نحن بیت الله أولى بالنبی

ضربکم بالسیف حتی یتثنی ضرب غلام هاشمی علوی

و لا یزال الیوم احمی عن ابي تالله لا یحکم فینا ابن الدعی

وی نخستین شهید بنی هاشم در روز عاشورا بود و در زیارت شهدای معروفه نیز آمده است:

السلام علیک یا اول قتیل من تسل خیر سلیل. (7)

علی اکبر (ع) درنبرد روز عاشورا دویست تن از سپاه عمر سعد را در دو مرحله به هلاکت رسانید و سرانجام مرّه بن منقذ عبدی بر فرق مبارکش ضربتی زد و او را به شدت زخمی نمود. آن گاه سایر دشمنان، جرأت و جسارت پیدا کرده و به آن حضرت هجوم آوردند و وی را آماج تیغ شمشیر و نوك نیزه ها نمودند و مظلومانه به شهادتش رسانیدند.

امام حسین (ع) در شهادتش بسیار اندوهناك و متأثر گردید و در فراقش فراوان گریست و هنگامی که سر خونین اش را در بغل گرفت، فرمود:

ولدی علی! علی الدنیا بعدک العفا. (8) (فرزندم علی، دیگر بعد از تو اف بر این دنیا)

در مورد سنّ شریف وی به هنگام شهادت، اختلاف است. برخی می گویند هجده ساله، برخی می گویند نوزده ساله و عده ای هم می گویند بیست و پنج ساله بود. (9)

اما از این که وی از امام زین العابدین (ع)، فرزند دیگر امام حسین (ع) بزرگتر یا کوچک تر بود، اتفاقی میان مورخان و سیره نگاران نیست. روایتی از امام زین العابدین (ع) نقل شده که دلالت دارد بر این که وی از جهت سن کوچک تر از علی اکبر (ع) بود.

آن حضرت فرمود: کان لی اخ یقال له علی اکبر متی قتله الناس... (10)
مقبره حضرت علی اکبر (ع) در کربلای معلی پایین پای اباعبدالله الحسین (ع) است.

.....
پی نوشت ها:

1. مستدرک سفینه البحار (علی نمازی)، ج 5، ص 388.
2. أعلام النساء المؤمنات (محمد حسون و امّ علی مشکور)، ص 126؛ مقاتل الطالبین (ابوالفرج اصفهانی)، ص 52.
3. مقاتل الطالبین، ص 52؛ منتهی الآمال (شیخ عباس قمی)، ج 1، ص 373 و ص 464.
4. منتهی الامال، ج 1، ص.
5. مقاتل الطالبین، ص 53.
6. منتهی الآمال، ج 1، ص 375؛ الارشاد (شیخ مفید)، ص 459.
7. منتهی الآمال، ج 1، ص 375.
8. همان.
9. همان و الارشاد، ص 458.
10. نسب قریش (مصعب ابن عبدالله زبیری)، ص 85، الطبقات الکبری (محمد بن سعد زهری)، ج 5، ص 211.